

توزیع زیان بین زیان بینندگان احتمالی

هادی علمی-فارغ التحصیل مدرسه بین المللی بیمه R.C.D

اشاره:

آنچه در «سرمقاله شماره ۶ ماهنامه کانون» در زمینه برخی خطرات شغلی که سردفتران و دفترباران، دائماً در معرض تهدید آنها قرار دارند، درج شد؛ مورد توجه بسیاری از همکاران و نیز دیگر خوانندگان ارجمند قرار گرفت. از آن بین، آقای هادی علمی از دست اندرکاران امر بیمه، آن نوشته را مورد توجه قرار داده‌اند و از دیدگاه فن و دانش خویش بدان پرداخته‌اند.

پیشنادهای نویسنده برای جلوگیری از خطاها و اشتباهاتی که گاه منجر به درخواست ضرر و زیانی می‌شود، ممکن است نتیجه بخش نبوده یا کافی و یا عملی نباشد. اما بی تردید از برخورد آرای که در هر زمینه با حسن نیت انجام می‌شود، سرانجام نتایج مشمری به دست می‌آید. مقاله ایشان را در پی می‌خوانیم:



شپوهنځي ښارو علوم انساني او مطالعات فرهنگي
پرتمال جامع علوم انساني

توجه اصولی و روشنگرانه گرامی نامه «کانون»، در سرمقاله «سخن آغازین» شماره ۶ آن ماهنامه، به اعتقاد این جانب نقطه بسیار خوبی است برای شروع راهگشایی برخی معضلات حرفه‌ای، که نه تنها دامنگیر سردفتران می‌باشد، در بسیاری از حرفه‌های دیگر نیز نمونه‌های آن دیده می‌شود.

نوشته بودید که: «قانونگذار به جهت انگیزه، اهداف و مصالح خاص فعالیت سردفتران، حسب موارد متعددی از قانون ثبت اسناد و املاک، محدودیتها و مسؤولیت‌های سردفتران برای بسیاری از پیامدهای اعمال مستقیم و یا کارکنان آنها در نظر گرفته که موجب مسؤولیت جزایی و مدنی برای آنهاست.» و در جای دیگر به درستی اشاره داشته‌اید که: «این ضمانت اجراها موجب اعتبار دفاتر اسناد رسمی و مأموران تنظیم آن است.» به عبارت دیگر شما نیز باور دارید که صاحبان حرفه‌ها از هر نوع، می‌بایست مطابق قانون، برای حفظ حقوق افراد، جامعه، مسؤول اجرای صحیح و دقیق وظایف محوله خود و بالتبع کارکنان مربوطه باشند و با هرگونه سوء نیت و یا خلاف ارادی می‌بایست به شدت مقابله شود و عامل آن، مستوجب عواقب جزایی و یا حقوقی عملکرد ناصحیح خود باشد. بنابراین می‌بایستی اصل بر اساس حسن نیت و رفتار صحیح و قانونی و بر مبنای واقعیات (PRINCIPLE OF GOOD FAITH) باشد.

اما دغدغه خاطر و تشویش از آنجا ناشی می‌شود که علی‌رغم حسن نیت در رعایت کلیه موازین قانونی، همراه با دقت عمل برای صحت کامل آن، باز این احتمال وجود دارد که هرچند به ندرت، برای برخی از همکاران در طول مدت فعالیت بر حسب اتفاق و بدون قصد و غرض ارادی، اشتباهی رخ دهد که عواقب جزایی و یا مدنی را برای آنها فراهم آورد اصل

احتمال (PRINCPLE OF PROBABILITY).

من اشراف کاملی به مواد قانونی مورد نظر شما ندارم ولی از محتوای مطالب، چنین استنباط می‌شود: یکی اینکه محدودیت زمانی برای اطمینان خاطر از اعمال انجام شده وجود ندارد و حتی ممکن است عواقب مسؤولیت مدنی به وراثت نیز منتقل گردد. دوم اینکه مسؤولیت مدنی، محدوده مشخص ندارد و حتی ممکن است در برخی موارد از کل دارایی هم فراتر رود. بنابراین، منطقی است که برای هر کدام از همکاران همواره این نگرانی وجود داشته باشد که نکند روزی قرعه فال به نام آنها درآید و آنها را از هستی ساقط نماید. لذا در قدم اول ضروری می‌نماید که اقدامات مهارگونه در محدود کردن خطر، مدنظر قرار گیرد. برای مثال؛ شیوه سنتی ثبت و ضبط اطلاعات در دفاتر به طریقه دستی و باروشی ساده، خود عاملی است برای افزایش آمار اشتباهات، عدم کنترل به موقع و اطلاع از خطای پیش آمده در زمان نامناسب و عمدتاً در زمان اقامه دعوی و یا سایر موارد مشابه. بنابراین بهتر نیست که پیگیری لازم جهت گرفتن مجوز استفاده از رایانه به عمل آید؟

می‌دانیم که امروز لیستهای کامپیوتری، به جای دفاتر قانونی شرکتها، مورد قبول و ذی حسابی دارایی است و از لیستهای کامپیوتری به جای دفاتر موجود استفاده می‌گردد. در صورتی که در حرفه سردفتران نیز از این شیوه و روش، بیشتر استفاده شود، در آن صورت از امکانات زیر برخوردار خواهیم شد:

۱- صدور اسناد به کمک رایانه، این امکان را به ما می‌دهد تا با استفاده از متون تکراری که در کامپیوتر موجود است، صرفاً با اضافه نمودن اطلاعات اختصاصی، سند با سرعت بیشتری صادر گردد.

۲- هنگام صدور سند توسط رایانه، با کمک نرم‌افزار موجود، برخی کنترل‌های اولیه مانند: تکرار شماره سند، شماره دفتر مالکیت، شماره ملک و یا تقدم و یا تأخر تاریخهای عملکرد انجام می‌گیرد و حتی می‌توان با آگاهی یافتن از برخی مغایرتها در متن، از پذیرش سند خودداری کرد تا اصلاحات لازمه انجام گردد.

۳- در صورت صحت سند، نیاز به دوباره نویسی سند در دفتر نیست و رایانه قادر است

حتی با برخی تغییرات لازم در متن سند، آنها را به صورتی در فایل موسوم به دفتر، ثبت نماید که غیر قابل تغییر باشد.

۴- اطلاعات هر دفتر می‌تواند روزانه، هفتگی و ماهانه از طریق مودم و یا سایر امکانات کمکی، به مرکز رایانه (رایانه مادر) که ناظر به فعالیتهای کلیه دفاتر منطقه‌اند منتقل شود و بدین ترتیب از برخی اعمال مکرر بر روی یک سند در دفاتر متفاوت و یا موارد دیگر جلوگیری گردد. لازم به توضیح است که در صورت استفاده از نرم‌افزار مناسب رایانه‌ای، این کنترلها را رأساً انجام می‌شود.

استفاده از امکانات فوق، علاوه بر سرعت بخشیدن به عملیات و افزایش اطمینان از صحت بیشتر آن، این امکان را به وجود می‌آورد که زمان و قوف به اشتباه از سالها به ماهها کاهش یافته و از دغدغه خاطر مربوط تا حد زیادی کاسته شود.

البته منکر آن نیستیم که اجرای این برنامه مشکلات فراوانی را با خود به همراه دارد ولی به هر حال گام اول هر کاری را روزی می‌بایستی برداشت.

مورد دیگر که جهت محدود کردن خطر، مؤثر خواهد بود؛ پیگیری جهت تعیین ضابطه‌ای مشخص و محدوده‌ای معین برای پرداخت جرائم است. برای مثال: در مبادلات بازرگانی بین المللی، بر اساس مقررات اینکوترمز (INTERNATIONAL COMMERCIAL TERMS) که امروزه مورد قبول کلیه کشورها و حاکم بر روابط خریدار و فروشنده در مبادلات بین المللی است، مسؤلیت شرکتهای حمل و نقل برای هر بسته خسارت دیده، رقم ثابتی است. بدون توجه به آنکه ارزش واقعی محتویات بسته چیست. بنابراین شرکتهای بیمه که خسارت را بر اساس ارزش واقعی کالای مورد حمل پرداخت نموده‌اند، تنها قادر به مطالبه ارقام مشخصی که تفاوت زیادی با خسارت پرداختی دارد، از شرکت حمل کننده می‌گردند.

انجام عملیات فوق گرچه تا میزان زیادی از وقوع خطر می‌کاهد، واقعاً به معنی رفع کامل آن نخواهد بود؛ لذا دوباره به موضوع سرمقاله شما بر می‌گردیم. به عنوان نمونه‌ای از راهکارها، پیشنهاد «صندوق عمومی» را نموده‌اید که به تضمین مسؤلیتهای سردفتران در مقابل دعاوی مراجعان تخصیص یابد و تمامی نتایج آثار تنبیهی (جریمه) و مسؤلیت مدنی

ناشی از فعالیت و اعمال عادی و معمولی سردفتران را در بر گرفته، بلکه کارکنان و زیردستان را نیز در بر بگیرد. اصل تعاون (PRINCIPI OF COLLECTIVE RESPONSIBILITY) به عبارت دیگر می‌فرماید، خطری صاحبان این حرفه‌ها را تهدید می‌کند که نمی‌دانیم کسی و برای کدام یک از ایشان اتفاق می‌افتد، بیا باید چنانچه این خسارت (جریمه) برای هر کدام از ما اتفاق افتاد، همگی با هم در پرداخت آن مشارکت کنیم. اصل تقسیم خطر (SPREED OF RISK).

به زبان دیگر هر کدام از ما و یا وراث صاحبان این حرفه، به سبب اشتباهات ناگزیر و غیر قابل اجتناب خود یا هر یک از کارمندان زیر دست خود، در معرض خطر پرداخت جریمه سنگین احتمالی هستند که زمان و مبلغ آن بر ما مشخص نیست. و در صورت وقوع ممکن است آن صاحب حرفه را شدیداً در تنگنا بگذارد و گاهی از هستی ساقط کند. بنابراین بهتر نیست این پرداختهای سنگین و غیر مترقبه را تبدیل به پرداختی ثابت در قالب سهم پس اندازی در صندوق مشترک به صورت تعاونی با اهداف فوق، به هزینه‌ای مشخص و قابل محاسبه در مخارج سالانه تبدیل کنیم تا از خواب آشفته رها گردیم؟

چنانچه قبول کنیم راه حل پیشنهادی مقبول ماست - که من شخصاً به آن اعتقاد کامل دارم - قبلاً مشکلات و راهکارهای اجرایی آن نیز می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. به نظر من عمده مشکلات در ذیل خلاصه می‌گردد:

۱- آیا با توجه به مسائل فرهنگی جامعه در شکل‌های اجتماعی و نوع ارتباطات، قادر به جمع‌آوری کلیه سردفتران در یک شکل تعاونی هستیم؟ تعاونی که منظورش توزیع زیانهای احتمالی ناشی از اشتباه حرفه‌ای باشند.

۲- با توجه به قانون احتمالات که امکان دارد در بدو تشکیل صندوق، به یک باره مواجه با تعداد قابل توجهی اقامه دعوی علیه همکاران مواجه شویم؛ بنابراین به چه میزان سرمایه اولیه و یا سرمایه مطلوب برای ادامه فعالیت صندوق نیاز مندیم؟

۳- تا چه حد می‌توانیم حداقل سرمایه اولیه را از طریق دریافت یکجا از اعضاء و اقساط بعدی جهت رسیدن به سرمایه مطلوب را برنامه ریزی و دریافت کنیم که فشار بازدارنده‌ای

را در همکاران به وجود نیاورد؟

۴- چنانچه با مشکلی در تأمین سرمایه اولیه مواجه شویم، قادر به کمک گرفتن از

ارگانهای رسمی و یا سایر صندوقهای تعاونی موجود هستیم؟

به طوری که ملاحظه می‌گردد با چند مشکل اصلی مواجهیم که اولین آن تعیین سرمایه صندوق بر اساس قانون احتمالات و اعداد بزرگ است که دانش تخصصی ویژه خود را می‌طلبد. و علی‌رغم محاسبات دقیق، باز هم این امکان وجود دارد که صندوق علی‌رغم دقت عمل، بر اساس ماهیت قانون احتمالات در مقاطعی دچار کمبود نقدینگی گردد و دومین مشکل تعیین حق‌السهم اعضاست و وصول آن به صورتی که مشکلی برای صندوق به وجود نیاید.

از دیدگاه من با توجه به مشکلات فوق، بهترین راه حل، استفاده «نظام بیمه» ای به جای «صندوق تعاونی» توسط اعضاست، زیرا در تعریف بیمه داریم: «بیمه‌گر در معاملات بیمه‌ای در قالب شرکت بیمه، نقش مدیریت بر صندوق تعاونی را داراست که توسط بیمه‌گزاران به نسبت خطری که آنها را تهدید می‌کند تشکیل گردیده.» بنابراین اهداف تعاونی فوق با این روش تحقق می‌یابد، ضمن آن که قابلیت اجرایی عملی تری را محقق می‌نماید.

بیمه‌گر از قابلیت تجربی و تخصصی کافی برای دقت محاسبات (با استفاده از قانون اعداد بزرگ و بر اساس آمار برای تعیین سرمایه و حق‌السهم اعضا) برخوردار بوده، قادر به تعیین محدودیتها و شرایط پرداخت خسارت احتمالی است.

بیمه‌گر این امکان را دارد که اگر محاسبات صحیح نباشد و یا چنانچه به طور تصادفی، واقعیات با پیش‌بینی‌های آماری تطبیق نکند و خسارت سنگین وارد شود، قادر به جبران خسارت از محل ذخایر در سایر رشته‌ها باشد و یا اینکه با اتصال این صندوق به صندوقهای تعاونی دیگر و استفاده از امکانات اتکایی آنها، تضمین کافی را برای پرداخت خسارت به وجود آورد.

بیمه‌گر قادر است مانند طرح بیمه دپه پزشکان که اتفاقاً در سرمقاله به آن اشاره شده بود، حداکثر تعهد پرداخت خسارت را برای هر یک از اعضا، مطابق سلیقه شخصی ایشان،

مشخص و حق بیمه مناسب با آن را دریافت کند.

بنابراین در صورت قبول طرح و ارایه بیمه نامه توسط هر کدام از شرکتهای بیمه، هر یک از اعضا به طور جداگانه و بدون لزوم به گردهمایی اجباری می توانند بیمه نامه مورد نظر خویش را اخذ نمایند.

خوشبختانه با توجه به آنکه اصول چهارگانه معاملات بیمه‌ای شامل: اصل حسن نیت، اصل احتمال، اصل تعاون و بالاخره اصل جبران خسارت (PRINCIPLE INDMNITY) که تعیین جزای نقدی به عهده مقامات صالحه است؛ در طرح فوق محقق گشته، ارایه آن به «نظام بیمه» ای مشکلی ندارد.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی